

گفت و گو با آیت الله دکتر صادقی تهرانی

پیش درآمد

آیت الله دکتر محمد صادقی تهرانی، از مفسران و فقیهان ارجمند معاصر است که تفسیرگران سنگ «الفرقان» ایشان، یکی از چند تفسیر ممتاز و در خور توجه سده اخیر در جهان اسلام به شمار می آید. آثار و تألیفات گوناگون استاد بالغ بر ده ها اثر بوده که به دلیل تخصص ویژه ایشان در قرآن شناسی بسیاری از این آثار در ارتباط با زمینه های گوناگون قرآنی می باشد؛ چنان که دیگر آثار ایشان در زمینه های فقهی و کلامی و فلسفی و جز آن نیز دارای لون و صبغه قرآنی است؛ چنان که کتاب «تبصره الفقهاء» ایشان را می توان یک دوره بازنگری تطبیقی کامل ابواب فقهی بر محور قرآن به شمار آورد.

استاد صادقی به جدّ روش تفسیر قرآن به قرآن را باور داشته و با تکیه و اعتماد اصلی بر قرآن، منابع دیگر دینی را با نگاه نقادانه نگریسته و به همین دلیل در برخی موارد دیدگاه های ویژه ای از سوی ایشان ارائه شده است.

ایشان در کنار تفسیر، از ده ها سال پیش در زمینه مطالعات تطبیقی ادیان نیز تلاشهای علمی گسترده ای داشته و افزون بر مطالعات و تألیفات متعدد در این زمینه با حضور و اقامت چند ساله در کشورهای عربی - اسلامی گفت و گوهایی بسیاری با عالمان دیگر ادیان نیز داشته است.

آثار ایشان در زمینه مطالعات تطبیقی ادیان، شامل کتابهای: عقائدنا، المقارنات، رسول الاسلام فی الکتب السماویة، بشارات عهدین، مسیح از نظر قرآن و انجیل و... می باشد؛ افزون بر مطالب ارزشمندی که در این زمینه در تفسیر «الفرقان» ذیل آیات مربوطه دیده می شود. مجموعه آثار یادشده که هر یک به بعدی از ابعاد مختلف ادیان ابراهیمی و آموزه های آن پرداخته، نشان از مطالعات جامع و آگاهی ژرف و گسترده نویسنده در این زمینه دارد.

فصلنامه پژوهشهای قرآنی که در گذشته نیز از محضر ایشان بهره جسته و در مقالاتی نیز به بررسی و نقد و سبک شناسی تفسیر «الفرقان» پرداخته است^۱ اینک پرسشهایی در مقوله ادیان و روابط متقابل آنها با یکدیگر از نگاه قرآن با استاد در میان نهاده است. آنچه می نگرید پاسخهای ایشان است که هر چند گزیده و کوتاه، اما راهگشا و رهنمون ارائه شده است. با سپاس فراوان از محضر ایشان، پرسشهای ما و پاسخهای ایشان را بی هیچ گونه ویرایشی می خوانید:

* فلسفه تعدد ادیان و شرایع و تجدید نبوتها از دیدگاه قرآن چیست؟ آیا تفاوت استعداد بشر یا تغییر مصالح و مفاسد، در زندگی و یا تفاوت درجات تجربه های دینی انبیا که عرفا از آن به کشف تعبیر می کنند، نقش داشته است؟

استاد صادقی: اصولاً دین خدا واحد و شرایع آن متعدد است؛ چنان که در آیاتی مانند «شرع لکم من الدین ما وصّی به نوحاً و الذی أوحینا إلیک و ما وصّینا به إبراهیم و موسی و عیسی أن أقیموا الدین و لا تتفرّقوا فیه...» دین همان طاعت از خداست، لکن پنج شریعت که نشأت گرفته از دین می باشند گرچه در اصول مبانی عقیدتی و اخلاقی یکسانند، ولی در چهره و زمان حاکمیت دین ویژه، فرقهایی با هم دارند. و این تفاوتها از نظر زمینه فکری و کشش عقلانی نبوده است، بلکه این خود

آزمایشی نسبت به مکلفان بوده، چنان که آیاتی مانند «لکلّ جعلنا منكم شرعاً و منهاجاً لیبلوکم فی ما آتاکم فاستبقوا الخیرات...» نصی بر این حقیقت است که: اختلاف این پنج شریعت بر مبنای آزمون مکلفان بوده، و چنان که در هر یک از این شرایع ربانی تناسخهایی درونی وجود داشته، نسبت به یکدیگر نیز تناسخهایی داشته اند، تا شریعت قرآن که آخرین و پربارترین شرایع مقدسه الهیه تا پایان زمان تکلیف است، و قرآن که رهبری کل جهانیان را تا پایان جهان به عهده دارد بیانگر کل نیازهای مکلفان در طول و عرض جهان باشد.

نخستین شریعت ربانی که در صحف نوح منعکس است با شریعت ابراهیم تفاوتی چندان ندارد و کمتر از آن، تفاوت بسیار کم رنگ شریعت انجیل با تورات است. و در میان این شرایع پنجگانه تنها تورات و قرآن است که بسیار مفصل تر از شرایع دیگر می باشد. و اصولاً تناسخهای درونی و برونی شرایع، چنان که بر مبنای آزمون مکلفان است، دارای سیاست گام به گام تربیتی و تکاملی می باشد که در مرحله پایانی وحی قرآنی وقفه صد درصد و بدون استثنا تا پایان زمان تکلیف داشته است.

مثلاً در موارد معدودی از تناسخهای قرآنی مانند حرمت ازدواج مردان مسلمان با زنان کافر در آغاز هجرت به مدینه، می بینیم که در آخرین سوره مدنی، مائده، ازدواج زنان کتابی با مردان مسلمان حلال شده است. و یا ازدواج ناهمسان که در سوره نور کلاً تحریم شده بود در سوره مائده همسان نابسامانش نیز حرام شده است که بر مبنای آیه نور، مرد پاک با زنان ناپاک، و زن پاک با مرد ناپاک نباید ازدواج کنند و تنها ازدواج ناپاکان با یکدیگر حلال بوده است، ولی در سوره مائده با لفظ «محصنین» و «محصنات» این ازدواج نابسامان هم حرام شده که خود مانعی است اکید و تکاملی برای حرمت زنا. و در سوره بقره هم ازدواج مردان مسلمان هر چه باشند با زنان مشرک تحریم گردیده با آن که در سوره نور، ازدواج مردان مسلمان زناکار با زنان مشرک تجویز شده بود.

و در جمع چنان که اشاره شد تناسخ در شرایع، چه درونی اش و چه برونی اش، بر مبنای آزمون و تکامل و مانند اینهاست.

* تردیدی نیست که قرآن، ادیان ابراهیمی را دارای منشأ و خاستگاه واحد معرفی می کند و آموزه های اصلی آنها را نیز یکی می داند. آیا این همسویی می تواند دلیل بر این باشد که این ادیان در عرض یکدیگر نجات بخش هستند و در نتیجه هر کدام را بپذیریم در آخرت به فلاح و رستگاری می رسیم؟

استاد صادقی: این شرایع بر مبنای تناسخ برونی در عرض هم نیستند، بلکه در هر زمانی یکی از شرایع پنجگانه حاکم است. آری اگر از روی قصور و یا تقصیر، کسانی بر شرایع گذشته باقی بمانند، اهل نجاتند، و آیاتی مانند «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» و نیز آیاتی همانندش، محور اصلی را ایمان بالله و الیوم الآخر دانسته، که اگر تقصیری هم خالی از عناد نسبت به عدم پذیرش شریعت پس از خود داشته اند، چون خالی از عناد بوده و بر مبنای عادت بر شریعت خود باقی مانده اند، اگر طبق آن شریعت عمل می کرده اند، بالأخره اهل نجاتند.

* در صورتی که بعد از نبوت پیامبر اکرم(ص)، تنها اسلام را دین نجات بخش بدانیم و پیروان ادیان دیگر را که عذری در نپذیرفتن اسلام ندارند مستحق عذاب و کیفر اخروی بدانیم، آیات ۶۲ سوره بقره و ۶۹ سوره مائده را که ظهور در نجات پیروان ادیان با فرض ایمان به خدا و آخرت و عمل صالح دارند، چگونه توجیه کنیم؟۲

استاد صادقی: پاسخ این سؤال مفصلاً داده شد و آیاتی مانند آنچه اشاره کردیم نیز بر این حقیقت گواه است که تنها ایمان بالله و الیوم الآخر و عمل شایسته ایمان است که در کل نجات بخش می باشد، ولی در صورت روشن بودن حقانیت و حیانی شریعت بعدی، به ویژه شریعت اسلام، باقی ماندن بر شریعت قبلی خود کفر و بی ایمانی است که هرگز پذیرفته نیست؛ زیرا همان خدایی که شریعت گذشته را واجب کرده همو آن را نسخ نموده.

آری ما منکر تفاوت بین اینان و مشرکان نیستیم که اینان، گر چه بر خلاف حکم خدا شریعت بعدی را نپذیرفته اند، ولی بالأخره به شریعتی ربّانی پایبند بوده اند که طبعاً عذابشان کمتر از مشرکان است؛ گرچه شایسته بهشت نیستند.

* متون دینی ادیان ابراهیمی در کدام یک از زمینه های چهارگانه معارف، اخلاق، تشریح و تاریخ، بیشترین همسویی، و در کدام زمینه ها کمترین همسویی را دارند؟

استاد صادقی: همسویی اندک شرایع ابراهیمی در بُعد تاریخ، و بیشترش در ابعاد دیگر است. و چون تورات و انجیل، تحریف شده اند، همسویی شریعت ابراهیم و شریعت اسلام با آن دو کمتر به چشم می خورد؛ زیرا این دو هرگز مورد تحریف واقع نشده اند. و بر همین مبنا هم صاحبان کل شرایع پس از شریعت ابراهیم، مأمور شده اند که روش عقیدتی و اخلاقی و بخش مهمی از شریعت احکامی ابراهیم را دنبال کنند.

* شما در کتاب «عقائدنا» ۳ چون در صدد اثبات برتری قرآن بر عهدین بوده اید کوشیده اید از تعبیرات و عبارات عهدین نهایت استفاده را برای تضعیف آموزه های آن دو در قبال آموزه های قرآن بکنید؛ در همین راستا کنایه، استعاره و مجاز را در تعبیرات عهدین نادیده گرفته اید. آیا می توان با حمل تعبیرات موجود در عهدین، بر کنایه و مجاز، چنان که در قرآن نیز صورت می گیرد، نوعی اشتراک و همسویی میان قرآن و عهدین را نتیجه گرفت؟

استاد صادقی: تا آنجا که ممکن است کنایه ها و مجازات روشن را توجیه کرده ایم، ولی نص و ظاهر بر خلاف حقیقت را نمی توان توجیه کرد؛ مانند تثلیث، ابن الله، صلیب، تحمل گناهان دیگران، اعجاز شراب سازی مسیح و مانند آن و غلطهای عهدین.

* آیا فهم متون ادیان، از قواعد مشترک پیروی می کند، یا فهم هر یک از متون، قواعد ویژه خود را دارد؟

استاد صادقی: فهم متون ادیان، بر مبنای لغات مفهوم خود ادیان است؛ با توجه به اصطلاح زمان نزول آنها که معنای همگانی و همه زمانی دارد، و تحول لغت، هرگز نه بر آن معانی چیزی باید بیفزاید و نه کم کند؛ به ویژه متن قرآنی که از نظر معنی و لغت برای کل زمانها تا انقراض تکلیف، حجتی وحدانی است. و قراءتهای گوناگون بر اثر پیش فرض ها و انتظارات و تصورات غیر مطلق خود، تحمیلاتی است بر متن دینی قرآنی.

* عوامل ستیزه جویی پیروان ادیان ابراهیمی چیست، و قرآن در این زمینه بر چه انگیزه ها و عواملی تکیه می کند؟

استاد صادقی: عوامل ستیزه جویی آنان تحریفها و کم و زیادهایی است که در اثر قصور یا تقصیر یا عناد شرع مدارانی شرع ندار تحقق یافته، که به گمان شرعی بودن عقیده یا حکمی با حکم و عقیده دیگری که در شرایع الهیه است معارضه می کنند. که دین بر ضد دین قیام کرده؛ دین نخست، بی دینی است که با چهره دینی، با دین حقیقی، بدتر از بی دینان رسمی به معارضه با دین حقیقی ربانی پرداخته اند.

* آیا در درون آموزه های ادیان مطالبی هست که موجب تفرقه و ستیزه جویی شود؟ و آیا می توان با تکیه بر آموزه های مشترک از ستیزه جویی جلوگیری کرد؟

استاد صادقی: با آموزه های مشترک و حیانی حقیقی، بخش زیادی از ستیزه جویی ها میان ادیان برطرف می شود؛ چنان که آیاتی از قبیل: «قل تعالوا إلی کلمة سواء بیننا و بینکم أن لانهبد إلاّ الله...» که همگامی در این گونه عقیده های همسان، اختلافات متشرعین به شرایع گوناگون را بسیار می کاهشد. تحریفات اصلی را که بر خلاف فطرت، عقل و وحی حقیقی ربانی است کنار بگذاریم، می ماند اختلافاتی بسیار کم و کمرنگ که میان متشرعان به هر یک از شرایع در درون نیز موجود است، و این موفقیت، بر مبنای شورایی شایسته و بدون تعصب از شرع مداران حقیقی قابل تحقق است. و آیاتی مانند «واعتصموا بحبل الله جمیعاً» با پیوند دو جمع، عصمت علمی و حیانی را تثبیت کرده؛ نخست جمیع وحی حقیقی ربانی، سپس در بعد محوری شورای شایسته میان شرع مداران حقیقی.

۱. ر.ک: فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۴، «روش تفسیری الفرقان در اسباب نزول»، سید حسین هاشمی، صفحه ۲۲۷ - ۲۵۲؛ شماره ۸ - ۷، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، «اصول و مبانی تفسیر الفرقان»، محمد رضا امین، صفحه ۲۸۲ - ۳۰۵؛ شماره ۱۰ - ۹، بهار و تابستان ۱۳۷۶، «گفت و گو با استاد دکتر محمد صادقی»، صفحه ۲۸۴ - ۳۰۵؛ شماره ۱۱ - ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۷۶، «نگاهی به گفت و گو درباره‌ی میزان»، علی رضایی تهرانی، صفحه ۲۵۹ - ۲۶۴.

۲. در آیه ۶۲ سوره بقره می خوانیم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلُوا صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»

در حقیقت، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده و کسانی که یهودی شده اند و ترسایان و صابئان، هرکس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت، و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد.

آیه ۶۹ سوره مائده نیز با اندک تفاوتی همین مضمون را ارائه می دهد.

در آیات ۱۱۳ تا ۱۱۵ آل عمران نیز می خوانیم:

«لِيسُوا سِوَاءَ مَنْ أَهْلَ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ. يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ. وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ».

آنان یکسان نیستند؛ از میان اهل کتاب، گروهی درست کردارند که آیات الهی را در دل شب می خوانند و سر به سجده می نهند. به خدا و روز قیامت ایمان دارند و به کار پسندیده فرمان می دهند و از کار ناپسند باز می دارند؛ و در کارهای نیک شتاب می کنند، و آنان از شایستگانند.

و هر کار نیکی انجام دهند هرگز درباره آن ناسپاسی نبینند، و خداوند به حال تقوا پیشگان داناست.

۳. این کتاب ارزشمند به صورت گفت و گو و مناظره تنظیم یافته که بررسی تطبیقی باورهای عقلی و عقائدی و برهانی میان قرآن و تورات و انجیل در موضوعات توحید و نبوت و معاد است. عنوان کامل کتاب شناسی آن چنین است: عقائدنا، بحوث مقارنة بصورة الحوار بين القرآن و التوراة و الإنجيل تشمل التحقيق المقارن عن التوحيد و النبوة و المعاد على ضوء ما جاء في الديانات السماوية الثلاث، منشورات مؤسسة النور للمطبوعات، بيروت، لبنان، الطبعة الثانية، ۱۹۹۴م - ۱۴۱۴هـ (الطبعة الأولى، ۱۹۷۲م - ۱۳۹۲هـ)، ۵۶۲ ص.

